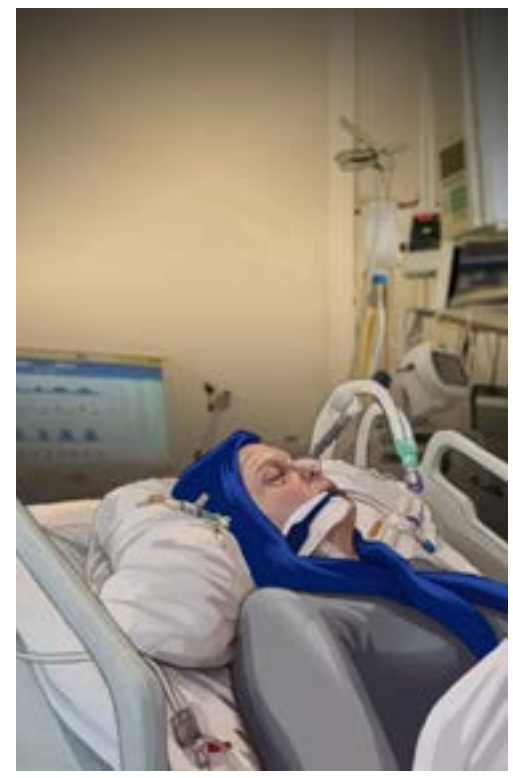
رنگ آبی تیک‌ها
(قسمت اول)



پیام

امروز صدای یلدا رو گذاشتم روی بلندگو که بشنوی. همه‌مون بودیم. پات رو تکون دادی. از خوش حالی جیغ کشیدم. درست وقتی داشت می‌گفت «بی‌بی جون بوست می‌کنم»، پای راستت یه کوچولو تکون خورد. بمیرم برات این مدت چقدر لاغر شدی. بعد که همه رفتن. من نشستم تماشات کردم. پوست سفید صورتت رو دست زدم. گریه کردم. گفتم تو رو خدا یه‌بار دیگه پات رو تکون بده. من هیچ کس رو جز تو ندارم. کم نیاری... کم نیاری... کم نیاری.

یک پاره ابر آن بالاست. چند ساعت است تکان نخورده است. کوله‌ام را می‌اندازم روی دسته صندلی و می‌نشینم. امروز هم شهلا نجفی شنگول است. حوصله‌اش را ندارم. معلم‌ها یکی بعد از دیگری می‌آیند، تندوتند چیزهایی می‌گویند و آن خط‌های درهم را روی تخته می‌نویسند. صدای زنگ مثل همه این روزها دل‌خوش‌کنک کوچکی است. در دفترم شکل همان ابر مانده است؛ خودکاری، مشکی. همه این چند هفته بند کرده‌ام به‌مشکی. معصومه از پشت به شانه‌ام می‌زند. آرام می‌گوید «امروز همه‌ش توی خودت بودی». شانه‌ام را آرام تکان می‌دهم. بالای سرم می‌ایستد و می‌گوید «باهم برگردیم». جمله‌اش چیزی است بین سؤالی و امری. می‌گویم «یه دقیقه». هندزفری را یک لنگه می‌گذارم توی گوشم. انگشتم تند روی صفحه می‌لغزد. فایل صوتی مثل مخمل مجرای گوشم را قلقلک می‌دهد «عزیز مامان، صدا بفرست.» خش‌خش می‌کند و قطع می‌شود. دومی پخش می‌شود: «قربونت برم چشم ندارم بخونم که... امشب اینجا می‌مونی پیشم؟ اگه می‌آی سر راهت یه شیشه کشک بگیر» بعدش صدای خودم است. صدای خودم را دوست ندارم. وقتی گوشش می‌کنم، انگار یک غریبه دارد با بی‌بی حرف می‌زند. دوست ندارم غریبه با او حرف بزند. بی‌بی فقط مال خودم بوده است. همه می‌دانند. هندزفری با درد از گوشم پلقی می‌پرد بیرون. در دست معصومه است. می‌گوید «بدو دیگه... کلا توی هپروتی امروز». سالن خلوت شده است. همه رفته‌اند به جز تک‌وتوکی از این دست‌وپاچلفتی‌ها که همیشه مس‌مس می‌کنند. چندتایی هم از خودشیرین‌های کودن که همیشه از گردن معلم‌ها آویزان‌اند. یکی دوتا هم خبرچین که گزارش روزانه را به مدیر جدید می‌دهند که خودشان را توی دلش جا کنند. شانه‌ام مشت می‌خورد. «امروز رفتی به بی‌بی‌ات سر بزنی؟» می‌گویم «الان می‌رم... بعد مدرسه». روشنایی انگار همین بیرون منتظرمان ایستاده است. چشم را کور می‌کند. می‌گوید «امسال باید انتخاب رشته کنیم. تو چه‌کار می‌کنی؟» می‌گویم «نمی‌دونم». نگاهم می‌کند و می‌گوید «سارا!». سارا را می‌کشد. می‌گویم «شاید نقاشی، نمی‌دونم». «شهلا می‌گه بعضیا برای اینکه نمره‌هاشون رو ببرن بالاتر، می‌افتن به خرخونی.» سرم را آرام به چپ و راست تکان می‌دهم. می‌گوید «واسه اینکه تمرکز کنن، ماری جوانا می‌زنن». نگاهش می‌کنم. می‌زند زیر خنده. چیزی در دلم مرده است. چند هفته است که مرده است. نمی‌گذارد بخندم. معصومه جدی می‌شود: «ببخشید نمی‌خواستم ناراحتت کنم. تا بیمارستان می‌رسونمت. عیب نداره که؟» یک جمله دستوری و بعدش سؤال. با علامت سر تأیید می‌کنم. می‌گوید «هنوز بهش پیام می‌دی؟ عین عاشق و معشوقا». می‌ایستم. آفتاب تنبل پاییز گرمایی ندارد. پیشانی‌ام را با دست می‌گیرم. محکم بغلم می‌کند: «ببخش سارا. به خدا نمی‌خواستم ناراحتت کنم.» حلقه دست‌هایش را تنگ می‌کند. نفسم سخت راهش را پیدا می‌کند. آن بالا تکه ابر تنها هنوز هست. روشنایی‌اش چشم را می‌زند. می‌گوید «توروخدا گریه نکن». می‌فهمم به‌گریه افتاده‌ام. می‌گویم «برو می‌خوام تنها باشم». دست‌هایش از دورم باز می‌شوند. کوله‌اش را از روی زمین برمی‌دارد و سریع می‌رود. کاش این‌قدر حرف گوش‌کن نبود، کمی می‌ماند، کمی سریش می‌شد، ولی می‌رود. رفتنش را تماشا می‌کنم. پای شمشادهای پیاده‌رو می‌نشینم، گوشی را باز می‌کنم.

پیام

پس کی این تیکای لعنتی آبی می‌شن؟! دارم می‌آم پیشت... قبلا وقتی این رو می‌نوشتم، زود بهم زنگ می‌زدی. الان خیلی وقته شماره‌ت نیفتاده روی گوشی م. افسانه و مرجان هنوز به گوشی ت زنگ می‌زنن. وقتی من جواب می‌دم، می‌گن باورمون نمی‌شه که تو پشت خط نیستی... همین جوری گریه می‌کنن فقط. من هیچی از دنیا نمی‌خوام. فقط می‌خوام تو پاشی مامان. فقط می‌خوام باشی. من هیچ کس رو جز تو ندارم. تنهام نذار... اگه تنهام بذاری، نمی‌بخشمت.

اینجا تخت خالی است. ملحفه سفید چروک رد بدن لاغر بی‌بی را دارد. انگار هنوز آنجاست، ولی نامرئی، نادیدنی. پرستار مرا می‌شناسد. می‌گوید «دکترش گفت جابه‌جا شو کنیم... چیزی نشده». کوله‌ام روی زمین افتاده است. دفتر کوچک طراحی مثل پرنده‌ای مرده روی زمین با کاغذهای باز افتاده است.

پیام

تو اینجا رو دوست داشتی؛ خودم حس می‌کردم از حالت صورتت، از طرز بسته‌بودن چشمات. وقتی آفتاب می‌رسید به ساق پاهات... امروز برات آهنگ پخش می‌کنم. همونی که می‌گفتی قشنگه... همونی که می‌گفتی صدای آدمیزاد نداره... کاش چشمات رو باز کنی... فقط یه لحظه... کاش دعام شنیده بشه...

ادامه دارد

شهرآرا
۴شنبه
۰۲ آذر ۱۴۰۱
۲۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴
شماره ۳۸۱۷
SHAHRARANEWS.IR

قربانیان کوچک؛ خشونت‌های بزرگ

گزارش اختصاصی شهرآرا از معضل کودک‌آزاری که طبق مستندات رو به افزایش است

گزارش

فرزانه عمادی| دستان کوچکش را با ترس و دلهره بالای سرش نگه می‌دارد، درحالی که گوش‌های کوچکش با فریادهای بلند پدر می‌خراشد. هیچ مأمن و پناهگاه امنی را نمی‌یابد. دستان کوچکی که تاب‌وتحمل کتک‌های پی‌درپی را ندارد، نمی‌داند علت این‌همه ظلم چیست. کودکانی که اگر با آن‌ها دوست شویم، بدون هیچ چشمداشتی محبت را ارزانی می‌کنند تا فقط دوستشان بمانیم. کودکانی که قدرت و جرئت برای بیان نیازها، آسیب‌ها و آزارهایی که از پدر یا مادر می‌بینند، ندارند. کودکانی که هیچ‌شناختی از حق‌وحقوقشان ندارند و هربار که یک مورد کودک‌آزاری از رسانه‌ها شنیده می‌شود و تصاویر آن در فضای‌مجازی پخش می‌شود، افکار عمومی جامعه برآشفته می‌شود و اخبار و پیگیری‌های آن و علل‌وعواملش در صدر خبرها به گوش می‌رسد. در پرونده‌های گشوده‌شده در مراجع قضایی، یک روز نامادری عامل کودک‌آزاری است و روزی دیگر پدری معتاد کودکش را به‌سختی شکنجه می‌کند. قانون‌گذار نیز آسیب‌های روانی و جسمی واردشده از سوی فرد خاطی را برای سنین کمتر از هجده سال تمام در نظر گرفته است و مصداقی از کودک‌آزاری می‌داند. بنابه گزارش سرپرست دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، بیشترین آمار گزارش‌ها به ۱۲۳ مربوط به کودک‌آزاری است. از طرفی مدیرکل دفتر معاینات بالینی سازمان پزشکی قانونی کشور نیز آمار خشونت خانگی شامل کودک‌آزاری و همسرآزاری را حدود ۷۵هزار مورد در سال ۱۴۰۰ اعلام می‌کند. از آنجا که بیشتر چنین جرایمی در چارچوب خانه و خانواده رخ می‌دهند، خیلی مجال آن نیست که هدف تعقیب و تحقیق قرار بگیرند، اما همین مقدار زنگ خطری جدی برای جامعه به شمار می‌رود.



کودک‌آزاری‌های جسمی و روحی؛ صدماتی جبران‌ناپذیر

اکرم بهادری، روان‌پزشک مشهدی، درباره کودک‌آزاری می‌گوید: آزار و اذیت‌های جسمی و روحی در کودکان بسیار تکان‌دهنده است. زمانی که کودک با روش تنبیه کردن فیزیکی به‌صورت عمد و با استفاده از اشیا و لوازم مختلف آسیب می‌بیند، صدمات جسمی و روحی توأمان به کودک وارد می‌شود که این اثرات در کوتاه‌مدت یا درازمدت خودش را به‌شکل یک‌بحران نشان می‌دهد. پدر و مادرانی که فرزندانشان را ساعت‌های متمادی به‌دلیل یک اشتباه کوچک در اتاق حبس یا آن‌ها را ضرب‌وشتم می‌کنند یا با برخوردهای فیزیکی به کودک لگد می‌زنند، او را می‌سوزانند تا ترسی از خود در وجود کودک قرار دهند. درواقع آن‌ها نمونه کاملی از کودک‌آزاری را مرتکب می‌شوند. از طرفی، نباید کودک‌آزاری را تنها در آزار و اذیت جسمی کودک جست‌وجو کنیم. آزار جسمی از اهمیت زیادی برخوردار است و آسیب‌های عمیق و ماندگاری از خود به‌جا می‌گذارد، ولی آسیب روحی کودک که با بی‌توجهی به او و سوءاستفاده‌های عاطفی که بیشتر در بسیاری از خانواده‌ها به‌ویژه فرزندان طلاق مشاهده می‌شود، از آنجا که علائم واضحی ندارد، کمتر به آن‌ها توجه می‌شود.

این روان‌پزشک بیان می‌کند: بیشتر کسانی که به کودکان آسیب روحی و جسمی وارد می‌کنند، زمانی قربانی سوءاستفاده قرار گرفته‌اند و هیچ راه گریزی برای نجات خود نداشته‌اند. این نکته بسیار مهم است که نباید تصور کنیم همه سوءاستفاده‌های عاطفی و کودک‌آزاری‌های روحی و جسمی در خانواده‌های فقیر یا در محله‌های پایین‌شهر اتفاق می‌افتد. گاهی خانواده‌هایی که در ظاهر هیچ مشکلی ندارند، ناخواسته کودکانشان را در معرض آزار جسمی و روحی قرار می‌دهند.

بهادری می‌افزاید: تحقیر و تخریب شخصیت و خوارکردن مدام کودک در میان خانواده نمونه‌ای از این کودک‌آزاری به‌شمار می‌رود. علاوه‌بر این صحبت‌نکردن با کودک، دادزدن‌های مکرر، زورگویی و نادیده‌گرفتن یا ردکردن درخواست‌های او به‌عنوان مجازات، نمونه دیگری از کودک‌آزاری است.

این روان‌پزشک اضافه می‌کند: خانواده‌ها باید بدانند هرگونه مشارکت اجباری کودکان در اعمال جنسی، آزار جنسی است. اینکه بعضی پدران و مادران، کودک را مجبور می‌کنند که اجازه دهد اطرافیان او را ببوسند یا در آغوش بگیرند، درحالی که کودک راضی نیست، امری پسندیده نیست و کودک را گرفتار بحران می‌کند. بیشتر کودکانی که هدف سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند، عملکردی ضعیف در مدرسه از خود بروز می‌دهند و منزوی و گوشه‌گیر می‌شوند. از خواب پریدن‌های مکرر در طول شب و دیدن کابوس‌های شبانه با محتوای آزار، ترس از لمس و پرخاشگری بی‌دلیل به اطرافیان و ناتوانی در نشستن روی صندلی یا اشکال در نشستن و کم‌خندیدن از دیگر علائم آزار جنسی است. این کودکان در معرض خطرات اضطراب، افسردگی و رفتارهای جنسی نامناسب در زندگی قرار می‌گیرند. بنابراین، خاطره آزار جنسی در فکر و ذهن این کودکان کم‌رنگ نمی‌شود و باید حتما تحت مداوای روان‌شناس قرار بگیرند. این کودکان در طولانی‌مدت نیز ممکن است مشکلاتی مانند اعتیاد به الکل، اعتیاد به موادمخدر، مشکلات ازدواج یا تشکیل خانواده و دغدغه خودکشی را تجربه کنند.

حمایت همه‌جانبه قانون از کودک

معاون دادستان مرکز استان خراسان‌رضوی درباره قانون حمایت از اطفال و نوجوانان می‌گوید: این قانون در سال ۱۳۹۹ تصویب و آیین‌نامه اجرایی آن در سال ۱۴۰۰ عملی شد. این قانون همه موضوعات مربوط به کودکان، سن، وضعیت‌های مخاطره‌آمیز کودک، خطرات شدید و قریب‌الوقوع را در خود جای داده است.

نیره عابدین‌زاده می‌افزاید: چنانچه طفل یا نوجوان در معرض بزه‌دیدگی یا آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت یا وضعیت آموزشی قرار بگیرد، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب می‌شود و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود.

این مقام قضایی با بیان اینکه قانون دو نوع ضمانت اجرا برای جرم کودک‌آزاری در نظر گرفته است، بیان می‌کند: در ضمانت اجرای قضایی وظایف دادستان، دادگاه‌ها، مددکاران اجتماعی، روان‌شناسان، دستگاه‌های دولتی و مردم تبیین شده است و حتی درباره انجام‌نشدن وظایف قانونی بیان می‌کند کسانی که در قانون مسئولیت دارند، اگر به وظایف خود عمل نکنند، مسئولیت کیفری متوجه آن‌ها خواهد بود. این قانون مداخله دیگری را تعریف می‌کند و آن این است که چنانچه کودکی را در معرض کودک‌آزاری مشاهده یا از آن اطلاع پیدا کردید، چنانچه خطری برای شخص ایجاد نمی‌شود و امکان حمایت از کودک برای وی مقدور است، منتظر حضور نیروهای انتظامی و بهزیستی نمانید و کودک را نجات دهید.

آیا بر معضل کودک‌آزاری نظارت می‌شود؟

عابدین‌زاده به نقش پیشگیری از وقوع جرم در زمینه اطفال و نوجوانان اشاره و تأکید می‌کند: امروز چرا همه توجه خودمان را به جرم و وقوع آن معطوف کرده‌ایم؟ جرم چه زمانی اتفاق می‌افتد؟ زمانی که کودک آسیب دیده است. یعنی ما پیشگیری و مطالبه از دستگاه‌های مربوطه را درخواست نکرده‌ایم. چه مقدار به‌سراغ اداره بیمه رفته و سؤال کرده‌ایم که آیا درباره کودکان بدسرپرست یا بی‌سرپرست وظایف بیمه‌ای خود را انجام داده است؟ چه زمان از آموزش‌وپرورش مطالبه کرده‌ایم که آیا کودکانی را که از تحصیل بازمانده‌اند، شناسایی کرده و آن‌ها را رایگان ثبت‌نام کرده است؟ یا منتظر بوده‌اید که خود دانش‌آموز بیاید و ثبت‌نام کند و شهریه هم پرداخت کند. استانداری آیا برای شناسایی کودکان بازمانده از تحصیل، از آموزش‌وپرورش مطالبه‌ای داشته است که چه تعداد کودک بازمانده از تحصیل داریم؟ دانشگاه علوم‌پزشکی آیا کودکانی را که مشمول این قانون هستند و برای درمان به مراکز درمانی مراجعه می‌کنند، رایگان درمان کرده است؟ در جایی که قانون بیان می‌کند این کودکان باید رایگان درمان شوند، درواقع همکاری نکردن این دستگاه‌های دولتی ترمزی برای ادامه روند بهبودی این کودکان است. اما پاسخ این سازمان‌ها این است که باید از تهران، از وزارت متبوعشان طی ضوابط و بخشنامه اعلام شود تا دستگاه‌ها بتوانند با اختصاص‌دادن ردیف بودجه، قانونی را که قانون‌گذار وضع کرده است، اجرا کنند. این چه پاسخی است؟ این‌ها همان کودکانی هستند که به‌دلیل پیشگیری‌نکردن در معرض خطر قرار می‌گیرند و زمانی که درمان نمی‌شوند، با همان حالت روحی و جسمی به جامعه بازمی‌گردند و خطراتی بزرگ‌تر را به‌دنبال دارند.

۹۰۰ پرونده کودک‌آزاری در ۶ماه

معاون دادستان مرکز استان خراسان‌رضوی ادامه می‌دهد: کودک‌آزاری روحی بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است، به‌طوری که در شش ماه اول امسال حدود نهصد پرونده مرتبط با کودک‌آزاری از انواع مختلف داشته‌ایم که آزار روحی در این کودکان به‌شدت زیاد است. اثرات کودک‌آزاری روحی در درازمدت بروز می‌کند و زمانی خودش را نشان می‌دهد که به مرحله حاد رسیده باشد. کودکی که دچار شب‌ادراری می‌شود، ناخن می‌جود، بی‌قراری از خودش نشان می‌دهد یا منزوی می‌شود و خانواده گاهی سعی می‌کنند به موضوعات کودک نپردازند و با بی‌توجهی از کنار آن عبور می‌کنند، نمی‌دانند که کودکشان چه حجمی از آسیب را با خود به دوش می‌کشد. همچنین، والدینی که اختلاف دارند و در گیرودار محاکم و دادگاه‌های خانواده برای اثبات حقشان و دعوی حضانت قرار دارند و کودک را وجه‌المصالحه قرار می‌دهند، به صدمات روحی کودک توجه نمی‌کنند.

آزارهای جنسی از طرف آشنایان

عابدین‌زاده با اشاره به پرونده‌های کودک‌آزاری جنسی می‌گوید: پرونده‌های آزار جنسی این واقعیت را نشان می‌دهد که متأسفانه بیشترین کودکان از طریق آشنایان مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند و بی‌توجهی خانواده‌ها به نشانه‌های کودک، این مشکلات روحی و جسمی را در کودک به‌مرور حاد می‌کند.

معاون دادستان مرکز استان می‌گوید: امروز مکانی مخصوص کودکان آسیب‌دیده راه‌اندازی شده است که در دستگاه قضایی از این کودکان حمایت می‌کند. ما در این مجموعه که «شوق زندگی» نام دارد، سعی می‌کنیم با رویکردی جدید به مسائل و آسیب‌های اجتماعی نگاه کنیم تا با جلب همکاری همه دستگاه‌ها به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد، فضایی را فراهم کنیم که در آن ضمن حفظ کرامت انسانی همه افراد آسیب‌دیده، به آن‌ها کمک کنیم. گروهی از روان‌شناسان و روان‌پزشکان و مددکاران که به‌درستی با مفهوم کودک‌آزاری آشنا هستند، به‌صورت رایگان خدمات درمانی این کودکان را تا رسیدن به نتیجه مطلوب انجام می‌دهند. همچنین ما معتقدیم افرادی که می‌خواهند در آسیب‌های اجتماعی دیگران مداخله کنند، باید خودشان دانش و آرامش لازم را داشته باشند که بتوانند به دیگر افراد کمک کنند. خوشبختانه آمارهایی که از این مرکز می‌رسد، رضایت‌بخش است و از درصد زیاد درمان مطلوب بر این کودکان آزاردیده جنسی حکایت می‌کند.

بارداری کودکان آزاردیده

عابدین‌زاده با بیان اینکه کودکانی بنابه موضوعات مرتبط با کودک‌آزاری جنسی باردار می‌شوند، می‌گوید: قبل از تصویب قانون جوانی و حمایت از خانواده، چنانچه کودکی به‌وسیله آزار جنسی باردار می‌شد، ما کودک را به پزشکی قانونی می‌فرستادیم تا پزشکی قانونی اعلام نظر کند که کودک به‌دلیل روحی و جسمی دچار مشکل نشود و سقط جنین انجام شود. ولی با تصویب قانون جدید و نبود تبصره‌ای در آن برای کودکانی که مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند، درحالی که تداوم بارداری اصلا به صلاح نیست، از اولویت‌های این خلع قانونی است. زیرا باید کمیته‌ای برای سقط جنین کودک و خاتمه بارداری اعلام نظر کند که معمولا تصمیم گرفته نمی‌شود و دستور سقط جنین داده نمی‌شود. از طرفی، بسیار شاهد این موارد هستیم که خانواده‌ها غیرقانونی اقدام به سقط نوزادان می‌کنند و سلامت جسمی کودک را به‌خطر می‌اندازند. درحالی که سقط جنین باید نزد پزشک و در بیمارستان با شرایط درمانی و بهداشتی انجام شود.

کلام آخر

کودک‌آزاری جسمی، روحی و جنسی پدیده‌ای پیچیده و دردناک است که بسیاری از موارد این معضل اجتماعی در دنیا به‌دلایل مختلف گزارش نمی‌شود. افراد آزارگر به‌ندرت از خشونت یا اجبار برای آزار جنسی کودکان بهره می‌گیرند و معمولا حتی به تهدید کودک برای حفظ این راز نیازی ندارند.

پرونده‌ها نیز حاکی از این‌اند که فقط نیمی از قربانیان به فرد دیگری می‌گویند که آزار جنسی دیده‌اند. قربانیان هم تصور می‌کنند چون کودک هستند، کسی آن‌ها را باور نمی‌کند و در مواردی توسط آزارگر شکنجه می‌شوند و وقتی بزرگ می‌شوند، احساس می‌کنند اگر در این‌باره حرف بزنند، سرزنش می‌شوند. همین موضوع موجب می‌شود سکوت کنند. انکار پدیده کودک‌آزاری جنسی در جامعه و نبود برنامه‌ریزی و اقدام برای پیشگیری از آن می‌تواند زمینه را برای شیوع بیشتر کودک‌آزاری جنسی و جسمی فراهم کند و ارائه‌نکردن خدمات درمانی برای آزاردیدگان موجب می‌شود آثار ناشی از آزار جسمی و جنسی برای سال‌ها گریبان فرد آزاردیده را رها نکند.

این درحالی است که می‌توان اقداماتی را انجام داد تا احتمال آزار جسمی و جنسی کودکان کم شود یا در صورتی که کودکان آزار دیدند، خدمات حمایتی و درمانی مناسب را دریافت کنند. از طرفی، رسانه‌ها و همه دستگاه‌های مسئول باید آگاهی‌بخشی در زمینه کودک‌آزاری را، هم برای کودکان و هم برای مردم گسترش دهند و با وجود قانون کامل و جامع حمایت از کودکان و نوجوانان، این نوید را به آن‌ها بدهند که زیر چتر حمایت از قانون قرار دارند و نباید سکوت کنند. افسوس که کودکان قدرت و توانایی ندارند و فقط سکوت و تحمل می‌کنند.

جدول ۳۶۲۳

